

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)

عنوان مراسلات

طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دیر اقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قرانك

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سعری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

یکشنبه ۳ جمادی الاول ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۷ خرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۶ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی

آزادی مطبوعات

(فیشرعبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه)
برای اظهار مطالب باطنی و خیالات ذهنی خراوند
دو آلت بزرگ قرار داده است که بتوسط هر یک از آنها
مخمس میتواند افکار و حسیات خود را بدیگران حالی کند.
اول زبان است که کشف ما فی الضمیر است و بواسطه
این عضو کوچک انسان میتواند بزرگی و کوچکی خود را
نشان دهد معلومات و مجهولات خود را ظاهر سازد و
گنجهای هنر و معرفت که در خزانه سنیه پنهان است بخلق
آشکار سازد و این خود یکی از نعمتهای بزرگ
پروردگار است که آدمی را بسبب آن بر دیگر مخلوقات
ترجیح داده و مزیت بخشیده سعدی علیه الرحمه بفرماید
(زبان در دهان ای خردمند چیست)

(کلید در گنج صاحب هنر)

(چه در بسته باشد چه داند کسی)

(که گوهر فروش است یا بیله ور)

دویم قلم است که باستاعت آن میتوان دور و نزدیک را
بمنویات خود آگاه ساخت و از برای آیندگان در
زمانهای آتیه خیالات و معلومات را ثبت نمود— این
عامل بزرگ اگرچه از مخترعات عقول کامله بشری است
لکن منشأ و مبدأ آن نیز از جانب رب الارباب موهبت و
مکرمت شده و بفرزند انسان عطا شده است
تأثیر و اثرات قام به مراتب از زبان بیشتر و زیاد تر است
زیرا که بوسیله زبان تنها حضار را میتوان بیک مقصود خوب
یابد مطلع و آگاه ساخت لکن بتوسط قلم بتمام اهل
کره زمین از هزار ها فرسنگ میتوان خبر داد و اثر

آن تاهزار ها قرن افی و بر قرار میماند — اینستکه بخلاء
هر ملت در تعظیم و تکریم ارباب قلم فزون از حد
مبالغه دارند زیرا که با شمشیر يك نفر تا ده تن را
میتوان کشت ولی باستمانت قلم لشگری را میشود
شکست داد، با زبان چند تن را میشود بصراط
انسانیت وارد نمود ولی بقوه قلم مانی مرده و قومی
افسرده را میتوان بسر منزل حیات جاوید و سرچشمه
آب زندگانی رسانید، در این مقام نه مقصود بیان فضیلت
قلم و ارباب قام است مقصود تشریح حقوق و حدود
نویسندگان و استکشاف مراتب آزادی این طایفه جلیله
است — لهذا گوئیم:

هر یک از اعضاء و جوارح انسان را تکلیف و حدی
است که نباید از آن تجاوز نماید و اگر تعدی نمود
بایستی مجازات شود از انجمله زبان و قلم (دست)
است که این هر دو را حدود مساوی و مجازات در
یکدرجه است هیچکدام نباید تهمت بزنند دروغ بگویند
برخلاف شرع خدا حرف بزنند الفاظ لغو و رکیک
را تذکار کنند و هر گاه بیرامون یکی از این منهیات
گردیدند بر طبق شریعت و قانون بایستی سیاست و
مجازات هوند؛ نویسندگان و گویندگان را در این مقام
وظیفه و حدود یکسان است خطیب نمیتواند تهمت بزند
روزنامه نویس نباید بهتان و افتراء بکسی بیند —
تکلیف مردم هم نسبت باین دو طایفه آنستکه کلمات
انهارا شنیده خوب را قبول و زشت را رد نمایند چنانکه
از مفاد آیه هریفه (فیشرعبادی الی آخر) مفهوم
میگردد ظاهر معنی آیه مذکور آنستکه بشارت و مرزده
بده بندگان مرا که گوش فرا داشته سخنان هر گوینده

را میشوند نگاه اگر لغو است از او اعراض مینمایند و اگر صحیح است متابعت و پیروی میکند

پس همه اعضاء انسان همان طور که خدا آنها را آزاد خلق کرده باید آزاد باشند و کسی را نمیرسد آنها را تحت قید یاورد آیا ممکن است یعنی یک نفر انسان را بخیال اینکه شاید بمحل نامناسی حرکت کند غل و زنجیر نمود آیا میشود چشم کسی را بیهانه اینکه نظر حرام خواهد کرد بست؟ آیا تصور دارد دهان آدمی را بمنزله اینکه ناسزا خواهد گفت دوح

بی شبهه خواهید فرمود خیر ترتیب طبیعی و قانون شرعی و عرفی برخلاف این است انسان بالفطره آزاد و اعضایش در حرکات خود مختلند و تا وقتی که منشأ امر خلاصی و کار خارج از قانون نشده اند کسی را نمیرسد دست تطاول بجانب آنها دراز کند و آنان را از کار و فعل مرجوعه خود باز دارد و الا در نظام کار بنی آدم اختلال لازم خواهد آمد بلی هر وقت از وظیفه خود خارج شد مستحق مجازات است و باید بر طبق قانون عقوبت شود

بله آدم بمحض آنکه زن را همراه داشته باشد نباید عقوبت شود هر وقت مرتکب عمل زنا شد ارباب حل و عقد را میرسد که او را سیاست کنند در اینصورت جای تمجبات است که بعضی از هواخواهان استبداد و طلیان اوضاع سابقه در خصوص دست و قام این نکته مهم را منظور نگرفته و از حرك این مطلب واضح غفلت نموده آزادی جرایم را حلالی مصلحت میدانند و زمره جلوگیری از حریت مطبوعات را مینمایند — ما کار نداریم که تمام عقلاء عالم امروزه بیک انفاق حقیقی بیدار ترقی مال و ممالک و رونق عالم علم و انسانیت را در پناه حریت مطبوعات میدانند و جرائد آزاد را اولین وسیله تمسک مینمایند — ما کار نداریم که ترتیب مشروطیت ممکن نیست مگر با وجود آزادی مطبوعات و یکی از مواد اصلی کنستی توسیون هر همه ممالک مشروطه و جمهوری آزادی زبان و قلم و مطبوعات است

ما کار نداریم که جلوگیری از مطبوعات باعث خفگی و افسردگی افکار است. ما کار نداریم که این اوضاع مخصوص ممالک مستبد و از خصائص سلاطین جا بره است. ما کار نداریم که آزادی باعث کثرت و رونق عالم مطبوعات میشود و ممانعت از حریت جرکات مطبوعات فئده ندارد چنانکه در همین دوسه ماهه بواسطه آزادی چندین جرائد در مرکز و سایر نقاط ایران دائر شده است. ما کار نداریم که لازمه مشروطیت عالم بودن ملت است و عالم شدن یک ملت را جزء اعظم حریت مطبوعات است. ما کار نداریم

که جرائد آزاد مانع بزرگی از ظلم و تعدی است. ما کار نداریم که روزنامهجات آزاد رابطه بین ملت و دولت و واسطه عقد اتحاد بین افراد یک ملت و عمره جولان افکار عقول مسلمیه است. ما کار نداریم که آزادی جرائد ملت را در حالت بیداری و هشیاری دائمی نگاه میدارد و بواسطه نشان دادن معایب و نواقص کارها اصلاح و مرمت میشود. ما کار نداریم که بازار تجارت را عمده و وسیله جرائد آزاد است

ما میخواهیم از راه شرع امروز حرف بزنیم که آیا ممانعت و جلوگیری از جرائد شرعاً جایز یا حرام است و این آزادی با قوانین شرعیه موافقت یا مخالفت دارد؟ هیچ آیه از آیات قرآن هیچ حدیثی از احادیث ندیدیم که دلالت کند بر آنکه پیش از ارتکاب معصیت باید مجازات نمود هیچ فقیهی فتوی نداده دست و زبان مردم را ببندند که مبادا خلافت شرع بگویند

کلیه مذاکرات جرائد بر دو قسم است یا حکایت و اخبار است یا اظهار رأی و عقیده اما آنچه داخل در عنوان اول است که نقل اخبار باشد بی داخل در تاریخ است اگر صدق باشد حرف صدق را کسی چه حد ممانعت دارد اگر کذب باشد آن نیز بر دو قسم است یکدفعه تهمت است مثل آنکه بگوید زید مرتکب فلان عمل فبیح شد در اینصورت باید رجوع بمحکمه شده بعد از ثبوت آنکه سختی تهمت و بی اصل بوده است باید مجازات شود. یکدفعه دروغی است که راجع بکسی نیست مثل آنکه بگوید امروز باران آمد در حالیکه آفتاب باشد در این صورت سخنی لهو گفته است و حرفی یاوه زده و وثوق باید از آن اعراض کند اگر ثابت شد که عمداً دروغ گفته باید یک اندازه هم مجازات شود —

همه این بیانات در صورتیست که نویسنده خود چنین و چنان گفته باشد ولی اگر گوینده دیگری است و این فقط ناقل است کسی را براو بختی نیست —

اما آنچه راجع است باظهار رأی در مصالح و مفاسد همین قدر باید مخالف احکام شرع نباشد و بر خلاف ضروری دین سخنی نگفته باشد و در صورت مخالفت با شرع باید مجازات شود — و اگر مخالف با شرع نیست مثل آنکه در باب قتلون مثلاً ترتیبی بنظرش برسد و عرضه بدارد باید درست گفته با غلط اگر صحیح است قبول والا رد نمود و کسی را حد منع در اینصورت ابدان نیست زیرا که بتنازه عقل خود حرف زده و بقدر معرفت خویش مصلحت بینی کرده است از این بیانات معلوم شد که ممانعت و جلوگیری

از زبان و قلم قبل از گفتن و نوشتن با هیچ يك از قواعد شرع مطابقت و موافقت ندارد. با قوانین ممالک متمدنه هم واضح است که ابدأً مناسبت ندارد -
امروز بیشتر از این مجال ندارم از شا الله در آتیه باز در این موضوع گفتگو خواهیم کرد

— رای يك تن از افاضل طلاب —

(مثل کلمه طیبه کسب جرة طیبه اصلاها ثبات و فرعها فی السماء و مثل کلمه خبیثه کسب جرة خبیثه اجنت من فوق الارض مالها من قزار) بحمد الله و الهیة از توجهات امام عصر و سذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام الساطان محمد علی شاه فاجار ابدالله عیسه و ابدالله جیسه و اقدامات حجج اسلام و همراهی ملت نجیب ایران اصل شجره خبیثه استبداد قلع و قطع شد و غیر از مختصر فروع و اغصانی از این اصل تا اصل چیزی باقی نمانده و انهم در شرف هلاکت است و از آنجا که گفته اند (دیو چه بیرون رود فرشته در آید) پس از قطع این ام الفساد سرو خرامان بوستان انسانیت و مایه حیوة آدمیت و حافظ حدود حریت که شجره طیبه عدالت است غرس شد و لکن افسوس که باد های مخالف دامن و زیدن گرفته و این (نونهالان بوستانرا) نمیگذارد قراری بگیرند هر روزی حرف جدیدی که بمنزله آلت جدیدیست از برای قطع این اصل مقدس اشاعه میدهند تا بحال میفکنند مشروطیت از خواص اروپائیان و فرنگیانست و غیر مناسب باحل ایرانیان و مضر به اسلام و اسلامیان و هم خود را مصروفی امثال این کلمات و القاء شبهات در بین این ملت يك طبیعت نمودند بحمد الله ثمری نبخشید بواسطه همت مسلمین بیدار و جراید نگران هو شیار و علماء اخبار شهد الله جدی وائی و سعی کافی نمودند در اثبات حقیقت مشروطیت خاصه سیدین سندن دو آیت نرك الهی حجت الاسلام آقا سید عبدالله و حجت الاسلام آقا میرزا سید محمد که این دو بزرگوار که مؤسس این اساس مقدسند به هیچ وجه کوتاهی فرمودند در بیدار نمودن این ملت به قسمیکه بطالان شبهات مستبدین بدرجه بر ملت ظاهر و هویدا گشته که انظر من الشمس و این من الامس گردیده و بالافتاق در این کلمه عالیه اسلامیه متحد و به هیچ وجه اخلاقی ندارند و بالجمله حضرات مستبدین از این رشته بکی مایوس و در شدر حیرت واقع و مات شدند و در صدد قرار داد دیگری بر آمدند که شاید دست آویزی پیدا نموده و اتفاق این ملترا مبدل بنفاق نمایند در این اوان سرمایه مختصری از برای اخلاقی ملت پیدا نمودند

در خصوص الحق ماده مشهور
بنظامنامه اساسی بعضی میگویند لازم است الحق بعضی میگویند لازم نیست برخی علاوه از این که لازم نیست جایز هم نمیدانند و بالعجله فدا اخلاقی حاصل شده و معلوم است که رفع این اخلاق بر عهده حجج اسلام و و کلاهی عظام است و بر هر کس لازم است که مطالبه کنند رفع این اختلاف را تا آنکه مبادا مستبدین بمقاصد خویش نائل و اساس عدل متصحل شود لذا این بنده نقابل عرایض خود را عرضه میدارم تا آنکه مشکلاتی که رخ داده حل شود و پس از آن هر چه علماء اعلام و حجج اسلام ادام الله ظلالم علی رؤس الانام مقرر فرمودند اطاعت شودا کر فرمودند که باید ملحق شود البته بشود و الا فلا اولاً عرضه میداریم که در نظامنامه مقرر است که قوانین موضوعه از طرفی مجالس محترم باید بر طبق شریعت مطهره باشد و اگر مخالف اشروع شور شد قبول نخواهد شد دیگر چه حاجت است به الحق این ماده و اگر فرمایند که شاید و کلاهی ممیز نشوند موافقت و مخالفترا عرضه میداریم که و کلاهی علماء لابد مشخص و ممیز هستند اگر فرمایند که لازم نیست و کلاهی علماء عالم به مجموع قوانین اسلام باشند و ممکن است که امری خلافی قانون اسلام واقع شود از جهت عدم اطلاع به قوانین اسلام دو جواب عرضه میکنم اول آنکه متنع است که هیئت و کلاهی این درجه تامل و دقت نکنند که خلافی قانون اسلام را گذارند نافذ شود و حال آنکه تمام ایشان اشخاص صحیح العقیده و مسلمانی هستند چنانچه ماده چهارم از نظامنامه انتخابات این مظاہرا به خوبی نشان میدهد جواب دوم آنکه اگر امری هم خلاف قانون اسلام واقع شد تمام افراد ملت حق دارند به و کلاهی اخطار کنند و بگویند چرا حفظ مذهب ما را نکردید و گذارند که امر خلافی قانون اسلام قانونیت پیدا کرده و بموقع اجرا گذارده شود و این اخطار که در میان شریعت مطهره موسوم به نهی منکر است مشترک بین تمام احاد ملت و اختصاص به طراز اول و آخر ندارد و وثانیاً عرضه میداریم که این پنج نفر طراز اول اگر بین خودشان اختلافی حاصل شد در قانون موضوعه چه باید کرد و تکلیف ماملت چیست و ثالثاً عرضه میداریم که اگر نمود بالله بعضی از این طراز اول تابع هوای نفس شدند و عرضشان مسامحه و تعطیل احکام مجلس ملی بود چه باید کرد آیا پنج نفر طراز اول حدی دارند که کسی قدرت داشته باشد در صورت مذکور معترض ایشان شود یا آنکه در عالم لا حدی سیر میکنند

و احدی از افراد مات حق ندارد که متعرض آنها شود و اگر کسی فعل محقق الوقوع ایشانرا جهت پرسد و یا بگوید این کار خلاف قانون اسلام است این بیچاره کوشش در افشاء و اعدام خویش نموده امید واریم که حل اشکال شود تا بدانیم الحاق این ماده ضرور است یا نیست

اقل الطلبة حاج شیخ اسمعیل طهرانی
 ﴿ جبل المتین ﴾ § - §

رای خود را در خصوص مسئله فوق در شماره آتیه مروض خواهیم داشت

﴿ اعتراض ﴾ § - § -

البته می دانید اعتراض اسباب تصحیح احوال و توبه افکار است باینجه ذیلا آنچه نکارش یابد از رنجش خاطر میراست در شماره (۳۳) مر قوم داشته اند که مقام و رتبه رئیس پارلمنت از تمام وزرای دولت بالا تر است این حرف باشرایطی که در اعضا و اجزای پارلمنت های خارجه رعایت می شود خیلی صحیح است چنانچه شنیده اید پارلمنت های دول خارجه مملوم است از وکلاء عالم بر حقوق و سیاسی دان و در مدارس عالیّه تحصیل کرده و در تمام علوم سیاسی امتحانات داده و هر يك فر چند جلد کتاب در علم سیاسی و حقوق ملی نوشته اند

وقتی هم برای هر اداره و وزیری بخواهند انتخاب نمایند از اعضای مجلس سنا و پارلمنت انتخاب می شود اینک از خود جنبه ای منصفانه سؤال می شود که امروز اعضای پارلمان ایران همانطور است که دیگران هستند که رئیس بتواند بواسطه شرافت عامی اعضای پارلمنت خود بر سایر وزرای دولت رتبه برتری و مقام فزونی داشته باشد یا خیر هر وقت مجلس پارلمنت مانند سایر دول عالم تقبیح و تطهیر از نادانی کردید و مملو از ارباب علم و اصحاب دانش شد می توانید این توقع را داشته باشیم - این را نیز عرض می کنم که بیچاره روزنامه نویسهای ماهنوز مجبور بقبول خواهشهای استحقاقانه اهالی وطن هستند نه مختار بر نشر حقایق و راست نویسی نظر باین ملاحظه از مدیر محترم جبل المتین نمی توان توقع حقیقت نویسی کرد ولی خواهشی که دارم این مقاله را هم درج بفرمائید که رئیس و مرئوس بدانند امتیاز بدون فضل توقع بیجا و موجب خرابی نظام عالم و اسباب نفرت هنرمندان است حرره فرزند ایران

﴿ جبل المتین ﴾ § - § -

جناب معترض . اعتراض جناب شما را در اینجا

درج کرده جواب را بجهت وست نداشتن صفحات بنمره بعد محول نمودیم

﴿ وقایع مجلس مقدس دار الشوری ملی ﴾

روز پنجشنبه غره شهر جلسه الاول

مذاکره در خصوص نظامنامه اجمنیه ایالات شد که آبا ترتیب فرستادن آن چه نحو شد گفته شد که بحکم واکذار شد و هر کس از و کلام بخواند بفرستد گفتند برای رفع اغتشاشات و ترتیب انجمنیه و تعلیم نظامنامه خوب بود از طرف مجلس کسی بیید از و کلام یاغیر که بسمت نماینده گی از طرف مجلس از اومی پذیرفتند مذاکرات زیاد در این باب بمیان آمد بالاخره قرار شد که اصلاح این امر را چنانچه حق وزیر داخله است باو واگذار شده هر طوریکه صلاح دید اقدام نماید و از طرف مجلس اختطاری شود اگر لازم بر رفتن کسی از طرف مجلس شد اهم بتصویب و صلاح دید ایشان انوقت ماموری ریخته نمائید و الا فلا تنه و تکمیل قانون اساسی را مطرح مذاکره نموده در همان مسئله نظارت علماء بیاحته بمیان آمد بعضی از عبارات او را تغییر داده و بعضی دیگر را توضیح و تشریح نمودند انتخاب آن عده را بعلما مسلم مقاد و واگذار کردند که بیست نفر بجهت مدین واقف بمقتضیات زمان را ایشان معین نمایند در عین آن بیست نفر پنج نفر یا بیشتر را مجلس با اتفاق آراء بقرعه مشخص دارد که عضویت در مجلس حاضر باشند و تشخیص مخالفت و موافقت قوانین موضوعه از مجلس را باموازین شرعیه بدهند مذاکرات زیاد بمیان آمد بالاخره همین نحو ناتمام و نتیجه نبخشید

مکتوب از قزوین

۱۷ شهر حمال در خصوص شهبای آثر یایجان اهالی قزوین تعطیل عمومی نموده در مسجد های مجلس فاتحه منقذ ساخته تمام آقایان از هر طبقه حضور داشتند اطفال مدرسه امید با بیدمهای سفید خنجر بذر (یا جان رسد بجانان یا جان ز تن در آید) هلهله کنان اشکریزان دورزده و خطابه ها خوانده آفتی تقیب السادات بالای منبر تسلیم فرمود از طرف اعلی تلگرافا به تمام ولایات اخطار گردید که برای قصاص و انعدام پسر رحیمخان جانا و مالا حاضریم حرکت نمائیم

اعلان

صابون بر کف معطر بسیار ستاز مال ایران نمونه آن در دالان زرتشتیه حجره رستم بهمن یارسی بتوسط حاجی محمد علی کاشانی فروش میرسد حسن الحسینی الکاغذانی